مدیریت شهری
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015
۸۷-۹۸
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۳/۵

بررسی تطبیقی معماری اماکن مذهبی و شهرسازی دوره بیزانس در ترکیه با دوره سلجوقی در ایران

دریا نصرت پور*- آموزشکده فنی و حرفه ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران، تهران، ایران.
سعید خاقانی- استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه شاهرود، شاهرود، ایران.
ودیهه ملاصالحی- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، گروه معماری، سمنان، ایران.

چکیده
همزمانی دوره‌های تاریخی از یک طرف و مناسبات بین فرهنگی در هر دوره تاریخی، باعث تاثیر و تاثرات فرهنگی و هنری و بالاخص در حوزه معماری می‌شود که بازنمودهای ویژه‌ای در هر مقطع زمانی داشته است. این امر در مقایسه تطبیقی دوره بیزانس در ترکیه و دوره سلجوقی ایران دارای اهمیت بیشتری است که دلیل آن را می‌توان در غنای معماری و شهرسازی دوره سلجوقی جستجو کرد. در این مقاله با روش تحلیلی و مقایسه‌ای به بررسی تطبیقی معماری دوره بیزانس با دوره سلجوقی در ایران پرداخته شود. در این مقاله در یک دیدگاه تطبیقی مقایسه‌ای بین معماری ابنیه دوره سلجوقی و بیزانس ترکیه صورت گرفته و نتایجی چند در این رابطه مورد اشاره قرار می‌گیرد. در پایان به نتایج تحقیق در قالب بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های احتمالی و تاثیر و تاثر این دوره‌های زمانی اشاره شده است.
واژگان کلیدی: معماری اماکن مذهبی، دوره بیزانس، دوره سلجوقی، مقایسه تطبیقی.

A comparative study of religious architecture and urban planning Byzantine period in Turkish Seljuk period in Iran

Abstract
Synchronization period on the one hand and intercultural relations in each historical period, the cultural and artistic interactions, especially in the field of architecture that representations have been specific in each period; This is in comparison to the Byzantine period in Turkish and Iranian Seljuk period is more important because it can be traced Seljuk architecture and urban richness. In this paper we compare the analytical and comparative study of Byzantine and Seljuk architecture in Iran; In the end, the results in the frame of the possible similarities and differences and effects of the mentioned period of time.
Keywords: architecture religious sites, Byzantine, Seljuk, comparative study.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۳۵۸۶۵۹۶۹۰، رایانامه: daryanosratpour@yahoo.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

۱. مقدمه

معمـاری بیزانس با تأسـیس پایتخت امپراتوری توسـط کنسـتانتینوس اول بـر کرانـه تنگـه بوسـفوروس آغـاز شـد. ایـن شـهر کـه بعدها بـه نام «کنسـتانتینوپولیس» (قسـطنطنیه) و سـپس بـه نـام «اسـتانبول» خوانده شـد، مکانی برای گردهم آیی شـد و جمـع کثیـری از هنرمندان شـرق و غـرب که حاصل هنرشـان را در کلیسـاها و بناهایـی می تـوان مشـاهده کـرد کـه به نام «سـبک بیزانس» شـناخته شـدند. هنر غالـب در ابتـدای بنـای ایـن شـهر هنـر مسـیحی بـود کـه در واقـع چیـزی جـز همـان هنـر رومی نبـود. هنر کلاسـیک امپراتـوری روم ایـن هنـر هرچنـد مسـیحی بود، اما از همان عناصر ماقبل مسـیحی پاگان اسـتفاده می کـرد: مجسـمه امپراتـوران همچـون دوران ماقبـل مسـیحی در میادیـن نصـب می شـد و موزاییک هـای کفپـوش کاربـرد فـراوان داشـتند. عـاج و فـولاد هر دو همچـون دوران کلاسـیک رومـی اسـتفاده می شـدند امـا بیشـتر تغییـرات در بخش هـای هوایی سـاختمانها و عمـارات دیـده می شـد. نبشـی و سـردر یونانـی جـای خودشـان را بـه آرک (طاقـی) دادنـد و گنبدهـا و مجسـمه ها بیشـتر وضعیـت تزئینـی یافتنـد و کمتر بـه شـکل به هنجـار و پذیرفته سـاخته می شـدند. این تغییـرات را نزدیکـی بـه حـوزه فرهنگی آسـیای صغیر و سـوریه تشـدید می کـرد، یعنـی در واقـع دو حـوزه فرهنگـی کـه ایده های هنری شـان چنـدان تحت تأثیر روم کلاسـیک و فرهنـگ غربی قرار نداشـتند. معماری کلیسـا در قرنهـای چهارم تا ششـم پیش رفتـه بود، اما در بسـتر هنرهـای بصری سـبکی که فرمالیسـم و بیان کلاسـیک را در خـود جـذب کـرده باشـد، زودتـر پدید آمـده بـود؛ پایتخـت جدیـد کنسـتانتینوس بـه دقـت بنـا شـد و سـاختمانهای عمومـی، خیابانهایـی بـا طاق ضربـی و دیوار و باروهای پرشـکوهی داشـت و علاوه بر اینهـا یـک قصـر امپراتوری هم داشـت که نمـای خیره کننـده ای هـم دارا بوده اسـت.

در دوره سـلجوقی نیـز معمـاری و شهرسـازی قابـل توجهـی از لحـاظ ویژگی هـای محیطـی و فرمـی دیده می شـود کـه می توانـد در مقایسـه بـا معمـاری دوره بیزانـس مورد بررسـی قـرار گیرد. در ایـن مقاله در یک دیـدگاه تطبیقی- مقایسـه ای بین معمـاری ابنیه دوره سـلجوقی و بیزانـس ترکیـه صـورت گرفتـه و نتایجـی چنـد در ایـن رابطـه مـورد اشـاره قـرار می گیرد.

معماری ابنیه مذهبی ایران در دوره سلجوقی

دوران سـلجوقیان بدون شک تابناک‌ترین دوره تاریخی ایران اسـت. ایـن عصر اوج تمدن اسـلامی ایران اسـت. اهمیـت آن را می‌توان اینگونـه خلاصه کرد:

۱. توسـعه شـهرها در نتیجه توسـعه فرهنگـی و انتقال دسـتگاه اداری از دسـت خاندان‌های دیوان‌سـالار قدیم بـه خاندان‌هـای روشـنفکر جدیـد از طبقـه متوسـط جامعه.

۲. رفـاه اقتصـادی و امنیـت عمومـی در مدتـی بیشـتر از یـک قـرن و نیـم بخصـوص در دوران آخـر حکومـت طغـرل اول بنیان‌گـذار حکومـت سـلجوقیان و آلـب ارسـلان و ملک‌شـاه و سـلطان برکیـارق و سـلطان سـنجر، جاده‌هـا امـن بـود، مـردم بـه راحتـی به سـفر حـج مشـرف می‌شـدند. کاروانسـراها و قنات‌هـا و چاه‌هـای آب زیـادی در سراسـر ایران بخصوص در سـر راه زائریـن ایرانـی بـه حـج ایجـاد شـده بـود.

۳. «بنیان‌گـذاری دانشـگاه»: نظامیه‌هایـی کـه شـهید خواجـه نظام‌الملـک پدیـد آورد. منشـاء و سرمشـق دانشـگاه‌های امـروز جهان اسـت. دانشـگاه‌های نظامیه، آموزشـگاه‌هایی بودنـد، بـا فرصـت تحصیـل رایـگان، راتبه‌هـای کافـی بـرای مدرسـان، کتابخانه‌هـای معتبر و رشـته‌های تحصیلـی مشـخص بـا سـازمانی درسـت.

۴. گسـترش و رواج زبـان ادبـی فارسـی و فرهنـگ ایرانـی به طـور کلی نقش بسـیار برجسـته‌ای ایفا کرد. سیاسـت داخلـی آنـان در دسـت وزیـران و مشـاوران دانشـمندی بـود که بـرای ترقـی جامعه ایرانـی از هیچ کوششـی خـودداری نمی‌کردنـد.

۵. دربـار سـلجوقی هماننـد دربـار محمـود غزنـوی پـر از علمـاء و نویسـندگان بـود. زبـان رسـمی فارسـی بود و کلیـه مکاتبـات اداری دربـار بـا ایـن زبـان صـورت می‌گیـرد. بهمیـن جهـت زبـان فارسـی از کرانه‌هـای

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

دریـای مدیترانـه تـا اقصـی نقـاط هند تحـت حکومت مسـلمین و از کرانه‌هـای خلیج‌فـارس تـا آن طـرف سـیحون و جیحـون زبـان غالب بود. و اگـر حمله مغول نبـود قطعاً امـروزه زبان فارسـی زبان اول جهان اسـلام بود.

۶. تـا آن زمـان جهـان هیچـگاه شـاهد گسـترش آن انـدازه مدرسـه و کتابخانـه و دانشـگاه نبـوده اسـت. در یونـان باسـتان بـا آن همـه ارزش کاذبـی کـه برایـش سـاخته‌اند تنهـا یـک کالـج وجـود داشـته اسـت. در حالـی کـه در کلیـه شـهرهای مهـم امپراطـوری عظیم سـلجوقی حداقـل یـک دانشـگاه نظامیه وجود داشـته اسـت، و در آن دانشـگاه کتابخانـه‌ای موجـود. بـه عـلاوه دانشـگاه‌های دیگـری نیز توسـط افـرادی مانند ملک‌شـاه و غیـره سـاخته شـده بود. بـا توجه بـه اینکه اولیـن کتابخانـه عمومـی اروپـا در حوالی سـال ۱۴۰۰ میـلادی آن هـم با هزار جلد کتاب احداث شـده اسـت. اهمیـت دوران سـلجوقی بـا کتابخانه‌هایـی بـا هـزاران جلـد کتاب برای ما مشـخص می‌شـود. علاوه بـر اینکه تقریبـاً هـر مسـجدی دارای کتابخانـه بـوده و بسـیاری از افـراد دارای کتابخانـه شـخصی بـوده و کتابخانه‌های عمومـی در همـه شـهرها دایـر بوده‌انـد چنان کـه تنها در یکـی از کتابخانه‌هـای وقفـی مـرو بیـش از دوازده هـزار جلـد کتـاب وجود داشـته اسـت.

در هرحـال، ایـران پس از سـال ۱۰۰۰ میـلادی برابر با ۴۹۳ ه.ق ایـران در سـاخت مسـاجد ملّـی معمـاری ای غیـر قابل انـکار و غیرقابـل تقلیـد را دنبال کـرد (هانس گابـه، ۱۹۹۳، ص ۳). چهارطاقـی مهم‌تریـن واحـد فضایـی معمـاری ایـران در دوره پیـش از اسـلام بـود کـه نقشـی مذهبـی داشـت. ایـن بنـا سـمبل کیـش پیـروان اهورامـزدا و محل نگهداری آتـش مقدس الهی بـود. چهارطاقـی پـس از تسـخیر کشـور ایـران توسـط سـپاهیان اسـلام، از بیـن نرفت بلکه با حفـظ اصالت به حیـات خـود ادامـه و به خدمـت مذهب دیگـری درآمد (محمـد رضـا پورجعفـر و آزاد، ۱۳۸۷). «هیلـن براند» می نویسـد:

«چنیـن فضاهـای گنبـددار چـه قبـلاً آتشـکده بودنـد و چـه از اوّل بـه عنـوان مسـجد سـاخته شـده انـد،گاه بـا حیـاط گاه بـدون حیـاط (بروجـرد). بـدون شـک بخـش اولیه بیشـتر مسـاجد ایرانی قرون وسـطی مثل «سـجاس» همین فضـای گنبددار اسـت» (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲).

بـا ورود چهارطاقـی در قلب مسـاجد ایرانی جهت قبله و اهمیـت سـالن محـراب در آنچنـان شـان و مرتبه‌ای قـرار گرفـت کـه تاکنـون در طـول قرن‌هـا این نقشـه بـدون تغییر باقی مانده اسـت (متدیّـن، ۱۳۸۶، ص ۴). وجود مسـاجد کوچـک با ایوان و گنبدخانـه تکی، خود ضمـن تاکیـد بـه ویژگی‌هـای ایرانـی مسـاجد نمونـه شـاخصی از حرکـت بـه سـمت قبلـه می باشـند که در آناتولـی تـازه مسـلمان شـده سـلجوقی نیـز بـه عنوان مسـاجد کوچک سـاخته شـده‌اند (متدیّـن، ۱۳۸۶).

آل‌بویـه درختانـی کاشـتند کـه میوه‌هایـش را سـلجوقیان و وزیـران و ندیمان آنان توانسـتند بچینند. آنـان بـه هر دلیلی کـه بود زمینـه «ایرانیـت» را فراهم آوردنـد، زیـرا آنـان خـود انسـان هایی نبودند کـه بویژه از اندیشـه های نوینـی برخـوردار بـوده باشـند (هانـس گابـه، ۱۹۹۳، ص ۱۷). لـذا بـرای سـلجوقیان معقـول بـود کـه «راه ملّی گرایـی» ارائه شـده از سـوی آل‌بویه را ادامـه دهنـد. سـلجوقیان اسـلام را بـا محتویـات التقاطـی آن پذیرفتنـد و دولتی پدیـد آوردند که در آن اصـول زندگـی آسـیای میانه بـا بازمانده رسـوم و آئین ساسـانیان و تازیـان در هم آمیخته بـود و این نظام را با کشـورگیری تا اقصای قونیه و اِفسِـس گسـتردند (کارل فریتـر، ص ۱). یکـی از مشـخصات مهـم مسـاجد دوره سـلجوقی را می تـوان در چگونگی جایگزینی گنبدخانه در سـاماندهی فضایـی مسـجد بـه عنـوان نقطـه عطف مشـخص بیـان نمـود. حتی پـس از چهار ایوانی شـدن مسـاجد در سـالهای بعـد هنـوز هـم گنبدخانـه بزرگ بدون شـک مرکـز توجـه بـوده و سـادگی چهارطاقـی نمونـه اولیـه در ایـن گنبدهای سـنگین دیده می شـود (متدیّـن، ۱۳۸۶، ص ۴). گالدیـری می نویسـد:

«سـلجوقیان بـرای سـاختن ایـن قبه‌هـا و سـتونهای عظیـمِ آن از سـنت دیریـن ساسـانیان بهـره بـرده اند»

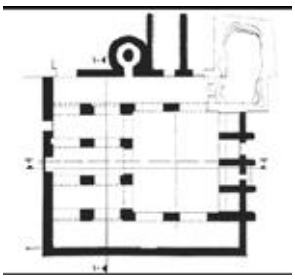
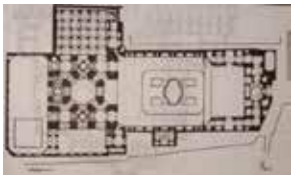
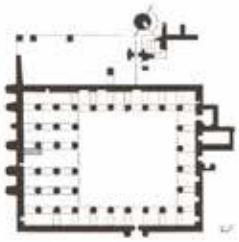
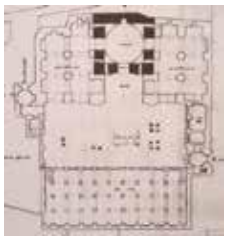
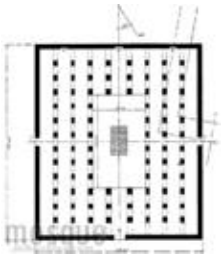
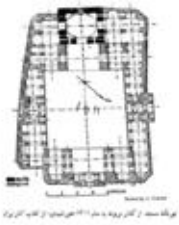
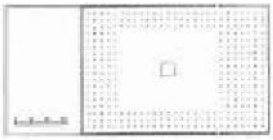
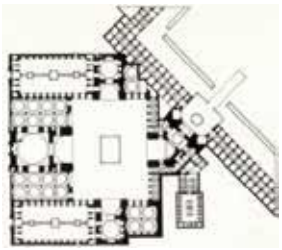
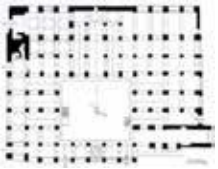
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۱. دسته بندی مساجد ایرانی از آغاز اسلام تا دوره قاجاریه؛ ماخذ: نگارندگان.

دسته بندی مساجد ایرانی	مساجد اولیه (شبستانی)	مساجد چهار طاقی (سلجوقی)	مساجد ایوانی (یک، دو، سه و چهار ایوانی)
ویژگیها	(*) برگرفته از الگوی شبستانی مسجد پیامبر (*) ایجاد پرسپکتیو قوی با آسمانه طاقی (*) طاق گهواره ای در جهت قبله برای تاکید بر جهت قبله (*) طاق زنی بین دو ستون (*) بکاربردن قوس های بیز (*) رواقهای متحدالشکل و عدم تاکید مناسب به جهت قبله	(*) تزریق گنبدخانه قبل اسلامِ ایران در مساجد شبستانی توسط سلجوقیها (*) آغاز ایرانیزسیون مساجد عربی (آندره گدار) (*) مقصوره دار کردن مساجد (*) ایوان منتهی به گنبد خانه (*) الگوی زرتشتی - ساسانی به عنوان کاراکتر اصلی مسجد شد (*) طرح مساجد برگرفته از طرح آتشکده ها و معابد ساسانی (*) چهارطاقی گنبددار از جمله راهها برای تاکید بر جهت قبله و محراب	(*) الگوی دو ایوانه منتهی به گنبد خانه (خوارزمشاهی) (*) الگوی چهار ایوانه با تاکید به ایوان منتهی به گنبد خانه (سلجوقی) (*) منارهای دو قلو دو طرف ایوان قِبلی (*) ترکیب حیاط های فرعی در مساجد (صفویه) (*) تغییر مسجد- مدرسه (سلجوقی) به مدرسه- مسجد (صفویه)
تاثیرپذیری	(*) فرم مسجد پیامبر (*) معماری پیش از اسلام ایران	(*) الگوی چهار طاقی ساسانی (*) الگوی ایوان منتهی به گنبدخانه پارتی	(*) فرم ایوانی بناهای پیش از اسلام ایران و فرم ایوانی بناهای دوره سلجوقی
نمونه ها	(*) مساجد: فهرج،۵۰-۶۰ه.ق؛ (*) تاریخانه دامغان،۱۵۰ه.ق (*) جامع یزد، قرن ۳ (*) جامع اصفهان،۲۲۶ه.ق (*) نائین ۳۴۹ه.ق	(*) مساجد: جمعه اردستان، جامع بروجرد، جامع گلپایگان، جامع نطنز، جامع سجاس	(*)تک ایوانی: آقابزرگ، جامع یزد. (*)دو ایوانی: زوزن، فریومد، وکیل شیراز. (*)سه ایوانی: عتیق شیراز، جامع عزیز تهران. (*)چهار ایوانی: مسجد شاه اصفهان، و مسجد جامع اصفهان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۲. نمونه موردی از هر دوره تحولِ مساجد در ایران؛ ماخذ: نگارندگان.

مسجد فهرج،۵۰-۶۰ه.ق، طرح شبستانی 	مسجد جمعه اردستان، قرن ۲و۳ه.ق- طرح چهار طاقی 	مسجد آقابزرگ کاشان- تک ایوانی ۱۲۶۸ (منبع: مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت) 
مسجد تاریخانه دامغان، ۱۵۰ه.ق، طرح شبستانی 	مسجد جامع بروجرد- طرح چهارطاقی گنبددار 	مسجد جامع یزد قرن ۸ ه.ق- تک ایوانی 
مسجد جامع یزد، قرن ۳، طرح شبستانی (ماکسیم سیرو) 	مسجد جامع گلپایگان قرن ۵ه.ق- چهار طاقی گنبددار (منبع: گُدار) 	مسجد فریومد- دو ایوانی 
مسجد جامع اصفهان، ۲۲۶ه.ق، طرح شبستانی (منبع: Hoag, ۱۹۸۲) 	مسجد جامع نطنز، قرن ۹ه.ق منبع: مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت) 	مسجد امام اصفهان ۱۰۲۰- چهار ایوانی (منبع: مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت) 
مسجد نائین ۳۴۹ه.ق، طرح شبستانی (منبع: پوپ) 		مسجد جامع اصفهان، قرن ۳ تا ۱۱-چهار ایوانی 

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

(گالدیـری، ۱۳۵۴).

ایـوان و گنبدخانـه نمـاد پادشـاهی ایرانیـان از زمـان پارتهـا بـود (هانـس گابـه، ۱۹۹۳، ص ۱۸)؛ بنابرایـن اولیـن گام در جهـت تغییر نقشـه عباسـیِ مسـاجد در زمـان سـلجوقیان برداشـته شـد و چهارطاقـیِ عظیـم، سـالن محـراب را از بقیـه قسـمتها متمایـز سـاخت (متدیّـن، ۱۳۸۶). بـرای معمـاران ایـن خطـه تقلیـد از راه‌حلهـای غیـر ایرانـی ضعـف بشـمار آمـده و سـعی در ایجـاد فضایـی نمودنـد تـا ضمـن اسـلامی بـودن، روحیـهء ایرانـی را تقویـت نمایـد (همـان، ۱۳۸۶). قبایـل بیابانگـرد (سـلجوقی) شـیوه خاصـی در آرایش سـاختمانها رایـج کردنـد کـه در ایـران و ترکیـه پایدار گشـت. بـا وجـود اختلاف محـل و فراوانـی و کمی مواد مختلـف سـاختمانی یگانگـی خـاص در دو سـرزمین دیـده می‌شـد و هنرمنـدان از یکدیگر به آسـانی تقلید می‌کردنـد و بیشـتر نقشـهایی را می‌گرفتنـد کـه بـه چشـم آشـنا باشـد، قطع‌نظر از اصـل و منشـاء آنهـا سـرانجام از ایـن هم‌رنگـی و ایـن سرچشـمه یکسـان سـلجوقیان و مغـولان، شـیوه‌های دوگانه‌ای برخاسـت کـه یکـی در ایـران صفوی و دیگـری در ترکیه عثمانی باشـد. در ابتدای قرن ششـم تحول اساسـی در مساجد ایجـاد می‌شـود کـه هنـوز هـم ادامـه دارد و آن ظهور گنبـد و ایـوان در مسـجد اسـت. مهمتریـن فضـای باز بنـا حیـاط اسـت؛ گنبد خانـه و حیاط با هـم در گفتگو هسـتند و فضای واسـط این دو همیشـه ایـوان (فضای نیمـه بـاز) اسـت. در قـرن هشـتم در ماهیـت مسـاجد تغییـری صورت نمی‌گیـرد و الگوای از دوره قبل اسـت امّـا تحولاتـی می‌کنـد: الگـوی اصلـی طراحـی الگـوی چهـار ایوانـی گنبددار اسـت، تناسـبات تغییـر می‌کند و بـه سـمت تناسـبات کشـیده با ارتفـاع زیاد مـی‌رود، تزئینـات تغییـر می‌کنـد بویـژه رنـگ، کاشـی و گچ در داخـل بنـا و کاشـی‌کاری مفصـل در خـارج بنا.

معماری و شهرسازی دوره بیزانس

بیزانس دردوران شمایل شکنی (۸۴۳ –۷۲۶)

در ایـن دوران بـه رغـم مخالفتی که با ترسـیم شـمایل قدیسـین و اولیـاء مسـیحی بـه راه افتـاد و مواجـب و مداخـل کلیسـا کاهـش چشـمگیر یافـت، کلیسـاها به سـاخت بناهـای مقـدس ادامـه می‌دادنـد. کلیسـای معـراج در نیقیـه و یـک کلیسـای ایاصوفیـه دیگـر در سـالونیکا سـاخته شـدند. امپراتـوران لزوماً بـا معماری و هنرهـای مرتبـط بـا آن مخالـف نبودنـد و چنانکه در تاریـخ تمـدن ویـل دورانـت هـم اشـاره شـده، امپراتور ئوفیلـوس (۸۴۲ - ۸۲۹) بناهـای بسـیاری بـه قصـر بـزرگ امپراتـوری اضافـه کرد.

دوران بیزانس میانه (۱۲۰۴ – ۸۴۳)

باسـیلئوس اول شـاخص‌ترین امپراتـور پـس از دوران شمایل‌شـکنی اسـت. او به‌خـلاف بسـیاری از اسـلاف خـود در منطقـه‌ای قصـر کبیـر امپراتـوری اقـدام بـه سـاخت و سـاز مجـاز کـرد و دو کلیسـا هـم از خـود به یادگار گذاشـت: کلیسـای جدید و کلیسـای ئوتوکوس فـاروس. او ایـن رسـم معمول سـاخت کلیسـا و بناهای دینـی و تزئینـات مرتبـط بـا آن را بنیـاد نهـاد کـه تـا قرنهـا مداومـت داشـت. هیچ‌یـک از ایـن دو کلیسـا باقـی نماندنـد و تنهـا از روی اسـناد مکتـوب می‌تـوان درباره‌شـان اظهارنظرکـرد. بـه نظـر می‌رسـد کـه هـر دو شـاخص دوران بیزانس میانه بودند. کلیسـاهای این دوران از یـک الگـوی کلـی پیـروی می‌کننـد: یعنـی از یـک صلیـب محـاط در داخل یـک دایره. این کلیسـاها سـه جناح متمایـز، منتهی بـه یک نمازخانـه و محراب در جنـاح شـرقی، و یک ناوه‌کش عـرض در جناح غربی بودنـد. در همه حـال، یـک سـقف گنبدی برفـراز جناح مرکـزی و بـر پایه چهارسـتون قرار داشـت و چهارگنبد کوچکتـر کـه در اطـراف آن قـرار می‌گرفتنـد؛ حـرم شـرقی و بخـش مرکـزی جناح-هـای جانبـی متوجـه شـمال و جنـوب تعبیه می‌شـد. ایـن گنبدها تـا بالای سـقف بخشـهای دیگـر کلیسـا امتـداد می‌یافتنـد به نحوی که کلیسـا در سـقف چلیپایی به نظر می‌رسـید. بـه جـز این ناوه‌کـش عرضی کلیسـاها معمـولاً طول و عـرض برابـر داشـتند، بـه طـوری کـه پـلان پایـه آنهـا یـک مربـع کامـل بـود به‌نـدرت سـتونهای اضافـی هم در سـمت غـرب بنـا می‌شـدند که بـه ایـن ترتیب یک باسـیلیکای مسـقف گنبـدی پدیـد می‌آمـد؛ جرزهای

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

حائل انتهای شرقی از کشیش خانه مرکزی به سمت غرب امتداد می یافت و به عنوان جانشین دو ردیف ستونهای جناح شرقی عمل می کرد و گنبد را نگاه می داشت. اما در هرحال، پلان اصلی حفظ می شد. گنبدهای کلیسا به نسبت کوچک بودند و بر روی طوقه تعبیه می شدند و در طول زمان باریکتر و بلندتر ساخته می شدند. هم نمازخانه ها و هم حرم از مابقی کلیسا جدا بودند و یک حائل بلند و سنگین به شمایل خانه پُرشکوهی منجر می شد که از مهمترین خصیصه های کلیسای اورتودوکس به شمار می آید. بخش تحتانی جرزها درکلیساهای بزرگتر با تخته مرمر پوشانده می شد: قرنیز و سرستونهای حجاری شده در ساخت آنها به کار می رفتند؛ البته تزئین و آرایه در معماری بیزانسی همیشه جنبه صوری داشت و چندان به چشم نمی آمد. کلیسای اصلی در صومعه حضرت لوقا در نزدیکی دلفی کاملترین نمونه این معماری به شمار می آید.

دوران بیزانس متأخر (۱۴۵۳ – ۱۲۰۴)

چند نمونه معدود که از این دوران در کنستانتینوپولیس و سالونیکا و در دیگر نقاط شبه جزیره بالکان موجود است، نشان می دهد که اندازه کلیسا عموماً به سمت کوچک شدن متمایل است. اما از همان اسلوب دوران بیزانس میانه در ساخت آنها استفاده شده است. ظاهر آنها چشمگیرتر است و گنبدها کوچکتر و بلندتر شده اند، سطح دیوارها از سمت خارج پر از تزیینات است. این تزئینات می توانند به سادگی یک آجرچینی یا به پیچیدگی کاشیکاری های معرق باشند که نماهای زیبایی را در این کلیساها تشکیل می دهند مواد و مصالح ساختمانی بسته به محل متفاوت بودند، هرچند ترجیح عمومی به کاربرد سنگ بود. در جزییات که دقیق شویم تازه به وجود تنوع و دگرگونی فراوان در ساخت آنها پی می بریم از این دوران معماری همچون دوران اولیه بیزانس مثالهای فراوانی در دست است. البته برخی از این مثالها به عنوان نمونه در یونان و بخشهایی از بالکان پس از بیرون راندن ترکان عثمانی در واقع بازسازی شده اند، اما در مجموع از همان ضابطه بنا در معماری بیزانس پیروی کرده اند.

روند تحول مساجد در آناتولی ترکیه

۱- مساجد گنبددار اولیه

معماری اسلامی ماقبل عثمانی در ترکیه از سرمشق های ایرانی تبعیت می کرد (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰). پردوام ترین بناهایی که ترکها احداث کردند همان هایی هستند که به خدمت در راه خدا اختصاص دارد یعنی مساجد، مدارس و خانقاه ها که بهترین مصالح و ظریف ترین هنرها بی دریغ در ساختمان آنها به کار رفته است. ساختمانهایی که برای استفاده مردم بنا می شد حتی کاخهای امپراتوری با مصالح کم دوام تر و معمولاً از چوب ساخته می شد (برنارد لوئیس، ۱۳۶۵، ص ۱۵۸). طرح ابتدایی مساجد آناتولی همان مسجد حیاط دار به تقلید از مسجد پیامبر بود ولی بتدریج با توجه به شرایط آب و هوایی سرد منطقه، به مساجدی با شبستان سرپوشیده تبدیل شدند. در نتیجه امکانات وضو گرفتن (وضوخانه) در داخل مسجد قرار گرفتند؛ چنانچه «هیلن براند» می گوید:

«...در مساجد ترکیه تسهیلات وضو در مکانی زیر نورگیر حرم قرار داشت و ...». مساجد اولیه آناتولی از گونه عربی تقلید کردند اما بتدریج رنگ و بوی ایرانی گرفتند (هیلن براند،۱۳۷۷، ص۱۵۳).

ارجحیت در این زمان مساجد سرپوشیده بدون حیاط بود مثل مساجد ارزروم، قیصری، نیده، سیوری حصار (همان، ص ۱۵۳). اشکال گنبددار از ابتدا کاملاً و عمیقاً ریشه در معماری آناتولیایی دارد. این مهمترین مشخصه مساجد عثمانی است و ریشه آن به نخستین سالهای این سلسله بر می گردد (همان، ص۱۵۳).

۲- معماری عثمانی پیش از ۸۵۷ ق ۱۴۵۵م

این مساجد از مکعب ساده گنبددار به اضافه دهلیزهای کناری تشکیل شده اند، مانند مسجد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

علاالدین بورسه ۷۳۶ق ۱۳۳۵م. (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص۱۵۴). الگوی دیگر در این زمان، طرح فضایی صلیبی شکل یا T برعکس می باشد که برای اولین بار در مسجد سلطان بایزید در آماسیه ۸۱۷ق ۱۴۱۴م دیده شده است (همان، ص۱۵۶). طرح T برعکس محور محراب را با دو گنبد متصل به هم در امتداد محور مرکزی که با ردیفی از دهانه های گنبددار یا طاق دار در هر طرف مشخص می شود برجسته می سازند. تمام اینها نیز از پهلو به وسیله یک ایوان پنج گنبدی درهم تنیده شده اند (همان، ص۱۵۶). نفوذ مداوم بیزانس را می توان به عینه در تکامل معماری عثمانی، حتی پیش از اینکه اشغال استانبول معماران ترک را در پیش روی ایاصوفیه قرار دهد، مشاهده کرد. یک امر مهم که در ایاصوفیه امری میانی و در معماری عثمانی کلیشه ای بود و هنوز وارد معماری مسجد ترکی پیش از آن تاریخ نشده بود، استفاده از دو گنبد متوسط در طول محور محراب بود که حکم پشت بند گنبد اصلی را داشتند (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷).

۳- سبک پیشرفته عثمانی

اشغال قسطنطنیه در ۸۵۷ ه.ق نقطه نهایی و انگیزه ای برای بازنگری اساسی به طرح مسجد به شمار می آید. اولین بنای بیانگر این حس بنای یادبود پیروزی یا مسجد فاتح ۸۶۷-۷۵ق بود (هیلن براند،۱۳۷۷). یکی ازمشخصه های این دوره حیاط در مساجد است. در اکثر مساجد حیاط دار ترکیه منبع آب و حوض وضو در حیاط به صورت سرباز (بدون سایه بان) طراحی شده اند. مشخصه اصلی در این دوره نیم گنبدهای عظیم می باشد که گنبد اصلی را تقویت می کند. مشخصه بعدی الگوی شبستان های چهارستونی می باشد، این الگو که در ساده ترین حالت شامل یک پلان مربع با چهار ستون در فضای میانی آن است. در مقایسه با الگوهای تاریخی موجود و الگوهای محتمل دیگر امکانات و قابلیتهای ویژه ای را برای طراحی شبستان مساجد در مقیاس های متفاوت ارائه می دهد.

توزیع متوازن چهار ستون در شبستان ضمن تاکیدبه مفهوم رویکرد انسان نمازگزار به سمت خالق هستی وکعبه امکانات چندی را در اختیار می گذارد مثلاً: ایجاد فضایی وسیع متناسب با عده نمازگزاران، هماهنگی هندسه ناشی از ستونها با هندسه پلان و سازماندهی مناسب فضاها در جهت قبله، ایجاد ترکیبی متوازن از فضاهای متباین و هم محوردر بخش میانی، کناری و گوشه های پلان با سلسله مراتب وتنوع فضایی غنی، تقسیم شبستان به فضاهای متناسب کارآمد با مقیاس انسانی، تداوم و ترکیب جزء فضاها و حفظ وحدت در مجموعه فضاهای شبستان، محدودتر شدن دهانه ها و سهولت تأمین پایداری سازه و اجرای آسانتر ساختمان شبستان، وحدت و تمامیت جزء فضاها و پرهیز ازحضور عناصر ناتمام، آزاد بودن بخش میانی فضا در امتداد محور قبله و ایجاد زمینه برای استقرار عناصر ارزشی از قبیل نور و ایجاد فضاهای نمادین مانند گنبدخانه.

نتیجه گیری و جمعبندی

در ادامه در بررسی تطبیقی موارد مورد نظر نتایج زیر به اختصار بیان می گردد:

۱- فرق فضای گنبددار ایرانی با آناتولی در این بود که در ایران اتاق گنبددار پشت ایوان قبله از بقیه مسجد جدا بود امّا در آناتولی برعکس ایران، در پی راهی برای ترکیب فضای اصلی گنبد دار با بقیه فضای اطراف بودند؛

۲- نحوه ورود به حیاط مساجد ایرانی، یا ازطریق یکی از چشمه های فرعی در کنج حیاط صورت می گیرد، و یا از پشت یکی از ایوانهای فرعی. در این حالت بعد از سردر ورودی و هشتی دقیقاً پشت ایوان قرار می گیریم اما امکان ورود نیست. در واقع این عنصر از ورود مستقیم جلوگیری کرده و فقط ارتباط بصری برقرار می کند. امّا هنگام ورود از حیاط به گنبد خانه کاملاً از محور مرکزی وارد می شویم،که این نحوه متفاوت ورود نشان از وجود سلسله مراتب در بناست. امّا در مساجد آناتولی چنین سلسله

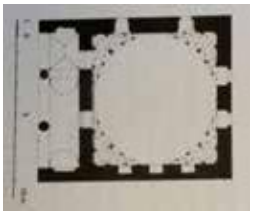
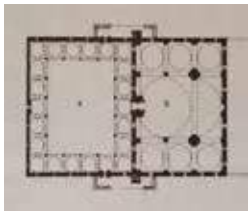
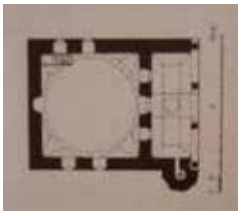
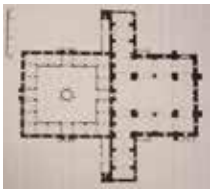
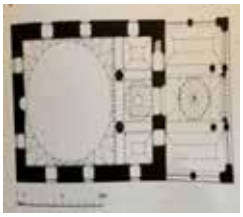
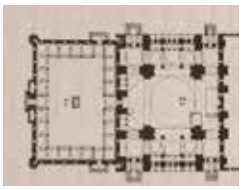
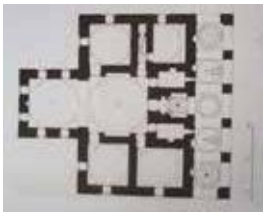
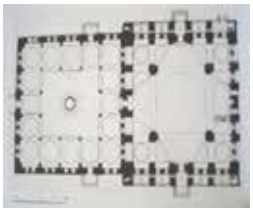
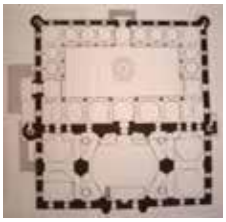
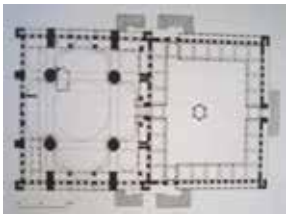
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۳. سیر تحول مساجد آناتولیایی از آغاز اسلام تا قرن ۱۱؛ ماخذ: نگارندگان.

دسته بندی مساجد آناتولی	مساجد گنبددار اولیه	معماری عثمانی پیش از ۸۵۷ ه.ق ۱۴۵۵م	سبک پیشرفته عثمانی
ویژگیها	(*) تقلید از گونه عربی + رنگ و بوی ایرانی (*) ایوان برای درگاه و برای ورودی های شبستان (*) تاکید روی فضای گنبددار (*) ارجحیت با مساجد سرپوشیده بدون حیاط بود (*) بکار بردن اشکال گنبددار که ریشه ای آناتولیایی دارد (*) وجود نقوش هندسی و گل و بته و خطاطی روی سنگ که متاثر از هنر ارمنی و بیزانس بوده است	(*) مکعب ساده گنبددار+ دهلیزهای کناری (*) فرم شبیه به آرامگاه های بزرگتر در جهان اسلام و ساده ترین اشکال مساجد ایرانی (*) در سقف سبک آناتولیایی دارند و در شبستان سبک عربی (*) طرح فضایی صلیبی شکل یا T برعکس (*) تکیه بر گنبد مرکزی بجای تکیه بر محراب	(*) استفاده از دو گنبد متوسط در طول محور محراب به عنوان پشت بند گنبد اصلی (*) سیمای خارجی موج دار بوجود آمده توسط گنبدهای چند تایی (*) مناره های مدادی شکل بلند (*) ارتباط تزئینات اندک خارجی با حجاری ظریف (*) توالی فضاهای نیم گنبدی در اطراف گنبد اصلی و در طول محور اصلی (*) قوسهای عظیم جهت تقسیم بندی فضا (*) آگاهی و اهمیت دادن به توپوگرافی و مجموعه سازی (*) تقسیمات ۹ قسمتی گنبد مرکزی با افزایش تمرکز روی گنبد مرکزی (*) استفاده از گوشواره بیزانسی (*) شبستانهای چهارستونی
تاثیرپذیری	(*) چهار طاقی های ایرانی (*) شبستانهای عربی (*) تاثیر از تزئینات ارمنی و بیزانس	(*) فرم آرامگاه های بزرگتر در جهان اسلام و ساده ترین اشکال مساجد ایرانی. (*) هشتی ورودی کلیساهای اواسط بیزانس	(*) فرم گنبدهای بیزانسی
نمونه ها	(*) مساجد شهرهای: ارزروم، قیصری، نیده، سیوری حصار، مسجد علاءالدین ۶۲۰ق	(*) مسجد حاجی ازبک، ایزنیق ۷۳۴ ق مساجد: علاءالدین بورسه۷۳۶ق جامع سبز ایزنیق ۷۸۰ق سلطان بایزید آماسیه ۸۱۷ق جامع قدیمی ادرنه ۸۵۶ق اوچ شرف لی ادرنه ۸۵۱ق	(*) مسجد فاتح ۸۶۷-۷۵ق (*) مسجد بایزید دوم ۹۱۳ ق (*) مسجد سلیمانیه در استانبول ۹۳۶ق (*) مسجد شاهزاده ۹۵۵ ق (*) مسجد سلیمیه۹۸۲ق ادرنه (*) مسجد سلطان احمد ۱۰۲۵ق

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۴. نمونه موردی از هر دورهء تحولِ مساجد در آناتولی؛ ماخذ: نگارندگان.

نمونه اول	مسجد حاجی ازبک، ایزنیق ۷۳۴ ق، طرح گنبد و ایوان (منبع: گادفری گودوین) 	مسجد فاتح ۸۶۷-۷۵ق، طرح حیاط دار، (منبع: گادفری گودوین) 
نمونه دوم	مساجد: علاءالدین بورسه ۷۳۶ق، طرح گنبد و ایوان (منبع: گادفری گودوین) 	مسجد بایزید دوم ۹۱۳ ق، طرح شبستان چهار ستونی حیاط دار (منبع: گادفری گودوین) 
نمونه سوم	مسجد جامع سبز ایزنیق ۷۸۰ق، طرح گنبد و ایوان (منبع: گادفری گودوین) 	مسجد سلیمانیه در استانبول ۹۳۶ق، طرح شبستان چهارستونی حیاطدار (منبع: گادفری گودوین) 
نمونه چهارم	مسجد سلطان بایزید آماسیه ۸۱۷ق، طرح صلیبی یا T برعکس (منبع: گادفری گودوین) 	مسجد شاهزاده ۹۵۵ ق، طرح شبستان چهار ستونی حیاطدار (منبع: گادفری گودوین) 
نمونه پنجم	مسجد اوچ شرف لی ادرنه ۸۵۱ق، طرح مساجد حیاطدار (منبع: گادفری گودوین) 	مسجد سلطان احمد ۱۰۲۵ق، طرح شبستان چهارستونی حیاطدار (منبع: گادفری گودوین) 

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مراتبی وجود ندارد. ورود به حیاط کاملاً در یک محور مستقیم صورت می گیرد، و ورود به گنبدخانه و شبستان، گاهی با عبور از حیاط و رواق های اطراف آن و گاهی از بیرون محوطه مسجد و با ورود مستقیم به شبستان صورت میگیرد.

۳- در مساجد ایرانی همواره شبستان ها به صورت چهل ستونی می باشند که گاهی در طرفین گنبدخانه و گاهی مجزا از آن قرار می گیرند. در مساجد آناتولی فضای گنبدخانه و شبستان درهم ادغام شده و شبستان چهار ستونی را بوجود آورده که گنبدخانه در مرکز آن و بر فراز آن قرار دارد. حال می توانیم بگوییم که دلیل شیوه های متفاوت در ایران و آناتولی بعد از دوره سلجوقی، پیشینه باستانی این سرزمینها در معماری بوده است. در واقع دوره صفویه در ایران بازگشت به دوران اوج و اقتدار کلاسیک بوده است. و در آناتولی پیشینه یونانی و بیزانسی از یک سو، تاثیرات ایران هخامنشی و ساسانی از سوی دیگر با پیشینه آسیای صغیر این سرزمین، در نهایت دوران سلجوقی را پشت سر گذاشته و دوره عثمانی را به ارمغان آورده است.

منابع و ماخذ

اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۹۰) «حس وحدت»، ترجمه ونداد جلیلی، انتشارات علم معمار.

بُدوآن(BEAUDOIN) (۱۹۳۲) «اصفهان در قرن هفدهم»، ترجمه اصغر کریمی، اثر ش۳۱ و ۳۲.

پورجعفر، محمدرضا و میترا آزاد (۱۳۸۷) «تاثیر چهار طاقی های ایران باستان در معماری مساجد و تداوم آنها در معماری مساجد کشورهای همسایه»، دومین همایش معماری مسجد.

پیرنیا، محمدکریم و غلامحسین معماریان (۱۳۸۶) «سبک شناسی معماری ایرانی»، انتشارات سروش دانش.

میشل، جرج (۱۳۸۸) «معماری جهان اسلام، تاریخ و مفهوم اجتماعی آن»، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی.

خان محمدی، محمد علی(؟) «معرفی الگوی شبستانهای چهارستونی»، دومین همایش معماری مسجد.

سلطانزاده، حسین (۱۳۸۴) «فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران»، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.

شوازی، آگوست (۱۳۸۶) «تاریخ معماری»، ترجمه لطیف ابوالقاسمی، انتشارات دانشگاه تهران.

گابه،هانس (۱۳۷۶) «مساجد ایرانی»، ترجمه سید محمد طریقی، فصلنامه هنر، ش۳۳.

گودوین، گادفری(Godfrey Goodwin)) (۱۳۸۸) «تاریخ معماری عثمانی»، ترجمه اردشیر اشراقی، انتشارات موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری«متن».

فراهانی، رضا (۱۳۸۸)، میدان نقش جهان و عناصر آن، کتاب ماه هنر.

فریتر، کارل(؟) ترجمه مسعود رجب نیا، «آرایش ساختمانهای ایرانی و عثمانی، تبادل شیوه های معماری در سده های یازدهم تا چهاردهم میلادی (ششم تا نهم هجری)»، مجله هنر و مردم.

لوئیس، برنارد (۱۳۶۵) «استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی»، ترجمه ماه ملک بهار، انتشارات علمی فرهنگی.

متدین، حشمت ... (۱۳۸۶) «چهار طاقی گنبددار نقطهء عطف معماری مساجد ایرانی»، هنرهای زیبا، ش۳۱.

محمدیان منصور، صاحب (۱۳۸۶) «سلسله مراتب مَحرمیت در مساجد ایرانی»، هنرهای زیبا، ش ۲۹.

هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷)(Robert Hillanbrand) «معماری اسلامی: فرم، عملکرد و معنا»، ترجمه ایرج اعتصام، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]